



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (مقدمه واجب)

خصائص وجوب غیري ۲

جلسه ۲۰۱

استاد نجار زاده

خصائص وجوب غیري:

۳. وجوب غیري صرفا توصلی است یعنی عبادی نیست و فی نفسه اقتضاء عبادی بودن مقدمه را ندارد؛ زیرا در آن قصد امثال به نحو استقلال تحقق نیافته؛ چنانچه در خاصیت اول گفتیم اطاعت استقلالی در آن نمی باشد؛ بلکه غرض از اتیان آن، صرفا توصل و رسیدن به ذو المقدمه و اطاعت امر متعلق به آن می باشد؛ پس منظور از امثال مقدمه، اطاعت امری است که به ذو المقدمه تعلق گرفته است و به خاطر همین، برخی، در عبادیت برخی از مقدمات، مانند طهارات سه گانه اشکال کرده اند که جوابش خواهد آمد.

۴. وجوب غیري از حیث اطلاق و اشتراط و فعلیت و قوه تابع وجوب ذو المقدمه است؛ چه آنکه مقتضای تبعیت در آن همین است و معنای آن این است که آنچه در وجوب ذو المقدمه شرط است، در وجوب مقدمه نیز ملاحظه گردیده و آنچه در وجوب ذو المقدمه شرط نشده، در وجوب مقدمه نیز دخالتی ندارد؛ چنانچه باید پذیرفت هر وقت وجوب ذو المقدمه تحقق یابد، با آن وجوب، مقدمه نیز متحقق می شود و به خاطر همین معنا است که گفته شده: تحقق وجوب فعلی برای مقدمه، پیش از تحقق وجوب برای ذو المقدمه غیر ممکن است؛ زیرا حصول تابع، قبل از تحقق متبوع، مستحیل است؛ یا حصول معلول، قبل از وجود علتش، غیر ممکن است؛ البته این تعلیل، مبتنی است بر اینکه وجوب مقدمه، معلول وجوب ذو المقدمه باشد.



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

نکته:

و بر همین اساس اصولیون در وجوب مقدمات مقوّته اشکال نموده‌اند؛ مثلاً: وجوب غسل قبل از طلوع فجر برای ادراک روزه با حال طهارت. پس عدم تحصیل غسل قبل از فجر، موجب تفویض واجب (روزه) در ظرف خودش می‌باشد و به خاطر همین، آن را مقدّمه مقوّته می‌خوانند؛ به همین جهت فقهاء قبل از طلوع فجر، غسل را واجب دانسته‌اند؛ با اینکه پیش از وقت و قبل از طلوع صبح، روزه واجب نیست و همین معنا سبب این اشکال شده که چطور برای مقدمه می‌توان قبل از وجوب ذو المقدمه، وجوب را فعلی فرض کرد.

مقدمه وجود و مقدمه وجوب:

اصولیون مقدمه را به دو قسم مشهور تقسیم کرده‌اند:

۱. مقدّمه الوجوب.

۲. مقدّمه الواجب.

مقدّمه الوجوب که به آن «المقدّمه الوجوبیّه» نیز می‌گویند؛ از نظر مشهور عبارتست از مقدمه‌ای که نفس وجوب، به آن متوقّف باشد؛ مثلاً شرط وجوب به حساب آید. برخی از اصولیون در شرح آن فرموده‌اند: مقدّمه الوجوب آن است که آن را در واجب به نحوی اخذ کنند که مفروض التّحقّق و الوجود باشد و با این حال، به آن مقدّمه الوجوب گویند.

مثال مقدّمه الوجوب:

استطاعت نسبت به حجّ و بلوغ و عقل و قدرت نسبت به تمام واجبات، که بنابر مشهور، استطاعت شرط برای وجوب حجّ بوده به طوری که در صورت حصولش، حجّ واجب شده و به فرض عدمش، حجّ واجب نیست.